



■ ابوذر زمان در آئینه توصیف امام

فکر و عمل او مستقیم بود...

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمود طالقانی، دامت برکاته

این مسئله بسیار طبیعی است که شخصیت‌هایی مثل جنابعالی که عمر گرانمایه خود را در راه آزادی و استقلال کشور و مخالفت بی‌امان با دستگاه جبار و غارتگران بین‌المللی صرف نموده‌اند، در حبس و شکنجه به سر برند و از آزادی محروم باشند. آزادی امثال جنابعالی بر خلاف منطق شاه و موازین دولت اوست. فشار ارادهٔ آهنین ملت به طوری اعصاب شاه را خرد کرده است که دیوانه‌وار دست به جنایات ننگ‌آوری زده که روی تاریخ را سیاه نموده است و به طوری که مستحضر هستید، دست به جنایات تعجب‌آوری زده! در شهرستان‌ها دسته‌های ناشناس از کولی‌ها و اجیرها با چماق و قداره و پشتیبانی قوای انتظامی به جان مردم افتاده و جنایاتی را به بار آورده اند و می‌آورند. دولت که باید حافظ نظم باشد؛ قوای انتظامی او، به صورت مخرب و قوای تخریبی در آمده است. در عصر ما، در کشور بی‌پناه ما، منطق‌ها و لغت‌ها جای خود را عوض کرده اند. فضای باز سیاسی، همان اختناق‌ها و سانسورهای همه‌جانبه است؛ تمدن بزرگ، و حشیرگی‌های بدتر از قرون وسطاست. دولت آشنی با مسلسل و توپ و تانک و اخیراً با چماق و قداره، مردم را به تباهی کشیده است؛ اصلاحات ارضی، کشاورزی را ساقط نمودن است؛ استقلال، وابستگی اقتصادی و فرهنگی و نظامی به اجانب است؛ فریادهای مرگ بر این سلطنت پهلوی، شاهدوستی و علاقه به رژیم است.

پیام به آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان، ۱۱ آبان ۵۷

□ □ □

انا لله و انا الیه راجعون

فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ . عمر طولانی این عیب را دارد که انسان هر روز عزیزی را از دست می‌دهد و به سوگ شخصیتی می‌نشیند و در غم برادری فرو می‌رود. مجاهد عظیم الشأن و برادر بسیار عزیز حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای طالقانی از بین ما رفت و به ابدیت پیوست و درملاء اعلیٰ با اجداد گرامش محشور شد. برای آن بزرگوار،



مرحوم آقای طالقانی مستقیم بود؛ مستقیم فکر می‌کرد؛ مستقیم عمل می‌کرد. انحراف به چپ و راست نداشت. نه غریب‌زده بود و نه شرق زده، اسلام زده بود، دنبال تعلیمات اسلام بود و برای یک ملت مفید بود و رفتنش ضایعه است، لکن او پیوست به آنجایی که برای او تهیه شده است؛ مقامی که برای او تهیه شده است.

سعادت و راحت و برای ما و امت ما، تأسّف و تأثر و اندوه. آقای طالقانی یک عمر را در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراند. او شخصیتی بود که از حبسی به حبسی و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و هیچ‌گاه در جهاد بزرگ خود سستی و سردی نداشت. من انتظار نداشتم که بمانم و دوستان عزیز و پراح خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم. او برای اسلام به منزلهٔ ابوذر بود؛ زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر بود؛ برنده بود و کوبنده. مرگ او زودرس بود و عمر او با برکت. رحمت خداوند بر پدر بزرگوار او که در رأس پرهیزکاران بود و بر روان خودش که بازوی توانای اسلام. من به امت اسلام و ملت ایران و خانوادهٔ ارجمند و بازماندگان او، این ضایعهٔ بزرگ را تسلیم می‌دهم. رحمت بر او و بر همهٔ مجاهدان راه حق. والسلام علی عبادالله الصالحین.

پیام به مناسبت رحلت آیت‌الله طالقانی

۱۹ شهریور ۵۸

□ □ □

مرحوم مجاهد بزرگوار آقای طالقانی، پس از عمری مجاهدت و پاسداری از اسلام، به رحمت خداوند پیوست و ما را سوگوار کرد. تکلیف پاسداری از اسلام به عهدهٔ همهٔ ماست. پیام برای انتصاب امام جمعه تهران

۲۱ شهریور ۵۸

□ □ □

مرحوم طالقانی رفتند و روسفید رفتند. باید گفت که ایشان یک عمر خدمت کردند و جهاد کردند و رفتند و ما باید ببینیم





این مرض چه مرضی است که بعضی از این روشنفکران ما دارند؟ همه آنها را نمی‌گوییم؛ بعضی‌شان. بعضی‌شان این چه مرضی است که دارند که وقتی یک ملت در سرتاسر ایران به سروسینه اش می‌گوید و به عنوان «نایب پیغمبر» از یک کسی یاد می‌کند، وقتی می‌خواهند بنویسند می‌گویند آقای طالقانی مرد روشنفکری بود و از این جهت مردم این طور می‌کنند. تو هم روشنفکر هستی، چطور مردم برای فاتحه هم نمی‌خوانند؟

مقاومت، حسی رفته؛ تبعید رفته، اهانت شده است و شاید شکنجه شده است، یک ملتی که ببیند یک کسی با دشمن او، با کسی که تمام حیثیت ملی و دینی او را از بین برده است، این طور مخالفت می‌کند، این ملت از او قلدردانی می‌کند؛ لکن این تمام انگیزه نبود. این مقاومت در بعضی از اشخاص دیگر هم بوده و هست؛ لکن برای آنها این انفجار حاصل نشد.

مقاومت و مخالفت با دستگاه جبار را ضم به این بکنیم که این روحانی است و این کار را می‌کند. یک روحانی، یک شخصی که به واسطه روحانیتش در بین مردم محبوبیت دارد؛ وقتی خدمتگزار او را هم مشاهده کنند؛ این انفجار حاصل می‌شود. شما آن وقت که ایشان را دفن می‌کردند، در تلویزیون دیدید، شعارهای مردم را شنیدید؛ شعار چه بود؟ انگیزه مردم از شعارشان پیدا می‌شود. نویسنده‌ها توی اتاق‌های درسته نشینند برای خودشان وجه درست کنند، انگیزه درست کنند؛ انگیزه‌های علمی و توهمی، غیر از انگیزه‌های واقعی محسوس است. چه می‌گفتند مردم؟ چه شعار می‌دادند؟ «ای نایب پیغمبر ما جای تو خالی». این نَفَس مردم بود. به عنوان نایب پیغمبر این را می‌شناختند، لکن نایب پیغمبر، هم در جهت معنوی و هم در مقاومت و هم در مخالفت با دستگاه ظلم و هم مخالفت با جباران، هم مقاومت در مقابل ستمکاران و هم در روحیات، معنویات، اما انگیزه اصلی شان «ای نایب پیغمبر ما» بود. شما دیدید که آن بیل و کلنگی که قبر ایشان را با آن کنده بودند و با آن خاک را بیرون آورده بودند، مردم با آن بیل و کلنگ چه می‌کردند؟ با آن عشق‌بازی می‌کردند، آن را می‌بوسیدند، حمله می‌کردند، بعضی به بعضی و این بیل و کلنگ را می‌بوسیدند؛ چرا می‌بوسیدند؟ بیل و کلنگ که بوسیدنی نیست؛ برای اینکه آقای طالقانی



ان شاء الله خداوند آن خدمتگزار را رحمت کند و همه ما را هم خدمتگزار قرار بدهد و ملت ما را هم از این بیدارتر کند که راه را ببرد.

و من تسلیت به خانم‌ها اول و به آقایان ثانیاً عرض می‌کنم و بدانید که من شریکم در این مصیبت و خداوند همه ما را در راه مستقیم هدایت کند. بیانات در دیدار با خانواده آیت‌الله طالقانی ۲۲ شهریور ۵۸

□ □ □

ما برادری را از دست دادیم و ملت ما پدری را و اسلام مجاهدی را. همه در سوگ هستیم و متأثر از این مصیبت بزرگ. خداوند او را غریق رحمت و شمارا بردبار و صبور بفرماید. آقای طالقانی پس از سال‌های طولانی خدمت و رنج و نگرانی و مجاهدت از بین ما رفت و با اجداد طاهرینش ان شاء الله محشور شد. ما باید از وقایعی که رخ می‌دهند عبرت‌هایی بگیریم و تعلیم‌هایی و تنبه به بعض مسائل پیدا کنیم.

چرا در مرگ آقای طالقانی این انقلاب و این انفجار در مملکت ما و در سایر ممالک حاصل شد؟ مگر چه بود که این انفجار حاصل شد؟ ما اوصاف او را و ابعاد او را تحلیل می‌کنیم و بعد خود ملت را میزان قرار می‌دهیم. ما در تحلیلات نباید توی یک اتاق درسته بنشینیم و فکر کنیم و قلم به دست بگیریم و به خیال خودمان تحلیل کنیم. ما باید مطالعه در حال ملت بکنیم و ببینیم ملت چرا به آقای طالقانی این احترام را گذاشت؟ چه بود در او و انگیزه ملت چه بود؟ آقای طالقانی ابعاد مختلفی‌های را داشت، اولاد پیغمبر بود، خدمتگزار بود، متفکر بود، مفسر قرآن بود، انسانی متعهد بود، مخالف با رژیم بود، مخالف با چپ و راست بود، کدام یک از این ابعادی که آقای طالقانی داشت این طور مردم را برانگیخت و این طور در سوگ نشانده همه طبقات را؟ هر یک از این اوصاف به تنهایی در خیلی‌ها هست و همچو مطلبی رخ نمی‌دهد. آنچه که ما از حال ملت و فریاد ملت می‌توانیم بفهمیم دوسه مطلب است که آن مطالب، موجب انفجار ملت ما و این تأثرات فوق العاده ملت ما شد. یکی این روح مقاومت و مخالفت با دستگاه ظلم، از اول جوانی تا وقتی که به دار بقا به اجداد طاهرینش ملحق شد، انگیزه او مخالفت با جباران و ستمکاران و چپالوگران بود، هیچ وقت از پای ننشست و به دنبال همین معنا، حسی‌های متعدد را متحمل و از حسی به حسی دیگر منتقل می‌شد. ملتی که با یک رژیم مخالف است، ملتی که از دست رژیم طاغوتی رنج کشیده است، ملتی که همه بدبختی‌های خودش را از این رژیم طاغوتی دارد و از ارباب‌های او می‌داند؛ اگر ببیند یک کسی با این رژیم با تمام قوایی که دارد، چه در حال جوانی و قوه جوانی و چه در حال پیری و ضعف پیری، مقاومت کرده، مخالفت کرده، رنج برده و در این مخالفت و



● که چه بکنیم تا برویم.

بیانات در دیدار با مربیان قرآن کاشمر ۲۲ شهریور ۵۸

□ □ □

منی دائم من باید به شما تسلیت بدهم یا شما باید به من یا هر دو به هم؟ من به شما تسلیت بدهم که پدر بزرگی را از دست داده‌اید و شما به من که برادر عزیزی را از دست داده‌ام و همه به ملت که خدمتگزاری را از دست داده و همه به اسلام که مجاهدی را از دست داده است. لکن ما از خدا هستیم و از آنجا آمده ایم و به آنجا برمی‌گردیم.

انالله؛ ما از خداییم؛ مال خداییم، ما چیزی نداریم خودمان، هر چه هست از اوست، و به سوی او می‌رویم و باید ببینیم چطور از آنجا آمدیم و چطور در اینجا هستیم و چطور به آنجا می‌رویم. آیا در اینجا که هستیم، در خدمت حق تعالی و خدمت خلقیم؟ مجاهد می‌کنیم در راه خدا، به صراط مستقیم ربوبیت مشی می‌کنیم یا انحراف داریم؟ اگر انحراف داشته باشیم، چه به چپ و چه به راست، چه طرف چپ که تعبیر مغضوب علیهم شده است و چه طرف راست که تعبیر به ضالین شده است در مقابل طریق مستقیم و صراط مستقیم. اگر از این راه مستقیم رفتیم، از اینجا که حرکت کردیم راه مستقیم باشد، منحرف نباشد، شرقی نباشیم، غربی نباشیم، مستقیم باشیم، بيمين و شمال نباشد در کار، مستقیم حرکت کنیم از اینجا به لانه‌های، سعادت‌مندیم و ملتی را سعادت‌مند کرده ایم و اگر چنانچه خدای نخواسته انحراف به چپ، انحراف به راست، انحراف به یمین، انحراف به یسار باشد، منحرف هستیم و اگر چنانچه در بین ملت یک مقامی داشته باشیم، ملتی را منحرف می‌کنیم، مرحوم آقای طالقانی مستقیم بود؛ مستقیم فکر می‌کرد؛ مستقیم عمل می‌کرد. انحراف به چپ و راست نداشت. نه غریزه بود و نه شرق زده، اسلام زده بود. دنبال تعلیمات اسلام بود و برای یک ملت مفید بود و رفتنش ضایعه است، لکن او پیوست به آنجایی که برای او تهیه شده است؛ مقامی که برای او تهیه شده است... ما احتیاج داشتیم به یک شخصی مثل آقای طالقانی. لکن اینطور نیست که وقتی آقای طالقانی نبود، ما شکست خورده باشیم. اسلام هست، پیغمبر هم رفت. فرمود وقتی وحی آمد که اگر پیغمبر کشته بشود یا بمیرد، شما برمی‌گردید از دینتان؟ اسلام هست. پیغمبرش هم می‌رود، امامش هم می‌رود، عالمش هم می‌رود، همه می‌روند و مملکت ما الان - بحمدالله تعالی - و امیدوارم که یک بیداری برای قشرهای مملکت ما پیدا شده و کشور ما پیدا شده، ملت ما یک بیداری پیدا کرده‌اند که دیگر خودشان دارند می‌روند، دیگر خودشان بیدار شده‌اند؛ دیگر خودشان راه می‌روند. و ما امیدواریم که

● شهریور ۵۸. حضور امام و مرحوم حاج سید احمد خمینی در مراسم ترحیم آیت الله طالقانی.



علاقه به ملتشان دارند، می خواهند مقابله کنند با دشمن های خودشان، می خواهند نگذارند باز یک رژیم چپاولگر بیاید، اگر عقل دارند، از این قدرت استفاده کنند، بیایند متصل شوند به این دریای مواج. من نصیحتشان می کنم. فردا دانشگاه ما باز می شود و باز یک دسته ای که خودشان را روشنفکر می دانند و خودشان را برای اسلام، برای ملت چه می دانند و خدمتگزار می دانند؛ باز می ریزند و نمی گذارند که انگیزه های ملت آن طوری که هست شکوفا بشود.

بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم

۲۳ شهریور ۵۸

□ □ □

مسلم است نام آن فقید سعید به لحاظ خدمات ارزنده ای که به اسلام و مسلمین نموده اند و همچنین به خاطر مبارزات مداوم و مستمر آن مرحوم علیه جور و ستم و استبداد و استعمار شرق و غرب، در تاریخ آزادیخواهان و طالبان حق و عدالت ثبت خواهد شد.

پاسخ به پیام تسلیت حافظ اسد

۲۴ شهریور ۵۸

□ □ □

یک سال از رحلت شخصیتی ارجمند و عزیزی ارزشمند گذشت. یک سال از فقدان مردی گذشت که می توانست به انقلاب اسلامی و پیشرفت اهداف مقدس اسلام خدمت های ارزنده ای بکند. او می توانست با رفتار و گفتارش به اعصاب ناآرامی که موجب نگرانی ها و تفرقه ها می شوند آرامش بخشد.

مجاهد بزرگوار و عالم هوشیاری که از عنفوان جوانی تا آخرین لحظات زندگی در خدمت به اسلام و کشورهای اسلامی، متحمل رنج ها و حبس ها و فشارها بود و هیچ گاه از این زحمت ارزشمند و خدمت سودمند کناره گیری نکرد و به کوشش خود در راه هدف و انقلاب ادامه داد.

مرحوم مجاهد متعهد و مبارز عظیم الشان طالقانی عزیز به جوار اجداد عالیقدرش شتافت و ما نیز انشاء الله تعالی همان راه را خواهیم رفت.

از خداوند تعالی رحمت برای آن مجاهد محترم و صبر برای خاندان محترم ایشان خواستار است و امید است ملت عظیم ایران از خدمتگزاران به اسلام قدردانی کنند و سالروز معظم له را احترام نمایند.

پیام به مناسبت اولین سالگرد رحلت آیت الله طالقانی

۱۵ شهریور ۵۹

جای تو خالی، چرا این قدرت را می خواهید از دست بدهید؟ چرا این قدر، کم سلیقه و بد سلیقه هستید؟ چرا این جوان هایی را که می خواهند به مملکتشان و خودشان خدمت بکنند؛ از یک همچو قدرتی محروم می کنید؟ نمی بینید این قدرت را؟ نمی بینید که یک پیرمرد هفتاد و چند ساله ای که هیچ قدرتی بر اینکده یک فعالیت سیاسی

داشته باشد، به آن معنا ندارد، ضعف پیری او را گرفته، نگاهت دارد، وقتی از دست می رود، یک همچو انقلابی در ایران و سایر کشورها بر پا و موجب تحیر غرب و شرق می شود؟ این قدرت را چرا می خواهید از دست بدهید؟ چرا می شکنید این قدرت را؟ چرا هر چیزی که می شود، از روی اسلام برمی دارید و می خواهید رویش یک عنوان غربی بگذارید؟

ای ملت! ای روشنفکران! ای متفکران! از این قدرت استفاده کنید. این قدرت بود که طاغوت را تا جهنم راند. شماها که نمی توانستید، چرا هر روز این مظاهر الوهیت و قدرت خدایی را می بینید و بیدار نمی شوید؟ این مرض چه مرضی است که بعضی از این روشنفکران ما دارند؟ همه آنها را نمی گویم؛ بعضی شان، بعضی شان این چه مرضی است که دارند که وقتی یک ملت در سرتاسر ایران به سروسینه اش می کوبد و به عنوان «نایب پیغمبر» از یک کسی یاد می کند، وقتی می خواهند بنویسند می گویند آقای طالقانی مرد روشنفکری بود و از این جهت مردم این طور می کنند. تو هم روشنفکر هستی، چطور مردم برایت فاتحه هم نمی خوانند؟ این قدرت را از دست ندهید آقا! کسانی که علاقه به کشورشان دارند،

مرد دمکراتی بود، بیل و کلنگش را می بوسیدند. به همان

انگیزه ای که ضریح ائمه اطهار و بزرگان ما را می بوسند، همان انگیزه مردم را وادار کرد که بیل و کلنگش را بپوسند، برای روشنفکری اش نبود؛ برای این بود که او را نایب پیغمبر خودشان می دانستند. این حضرت معصومه (س) را دختر امام خودشان می دانند که آستانش را می بوسند. آستانه هم یک خرده طلاست؛ یک خرده آهن است؛ این آهن و طلا را چرا می بوسند؟ خیلی آهن و طلا توی دنیا هست. خوب لیره هم دستشان می آیند، هیچ وقت می بوسند؟ این انگیزه و علاقه مردم به میبادی است. چرا «حجرالاسود» را می بوسند و لمس می کنند و به او تبرک می جویند؟ چرا دور یک خانه سنگی و گلی، میلیون ها مردم هر سال می روند و طواف می کنند؟ چون انگیزه، انگیزه الهی است. هر چه مربوط به دستگاه خدا باشد، احترام دارد. شما این پوستی که با او جلد «کلام الله» را درست کرده اند، می بوسید و به چشم می گذارید؛ خوب پوست است، چرا؟ برای اینکه در جوف این کلام خداست. همه چیز برای خداست. ما احترام هم به هر کس بگذاریم، باید برای خدا باشد. ملت ما این بیل و کلنگی را که چند روز پیش از این می بوسیدند به انگیزه این بود که طالقانی، نایب پیغمبر ماست، خودشان هم فریاد می زدند که «ای نایب پیغمبر ما



مجاهد بزرگوار و عالم هوشیاری که از عنفوان جوانی تا آخرین لحظات زندگی در خدمت به اسلام و کشورهای اسلامی، متحمل رنج ها و حبس ها و فشارها بود و هیچ گاه از این زحمت ارزشمند و خدمت سودمند کناره گیری نکرد و به کوشش خود در راه هدف و انقلاب ادامه داد.



● شهریور ۵۸. حضور امام و مرحوم حاج سید احمد خمینی در حال ورود به مراسم ترحیم آیت الله طالقانی.

